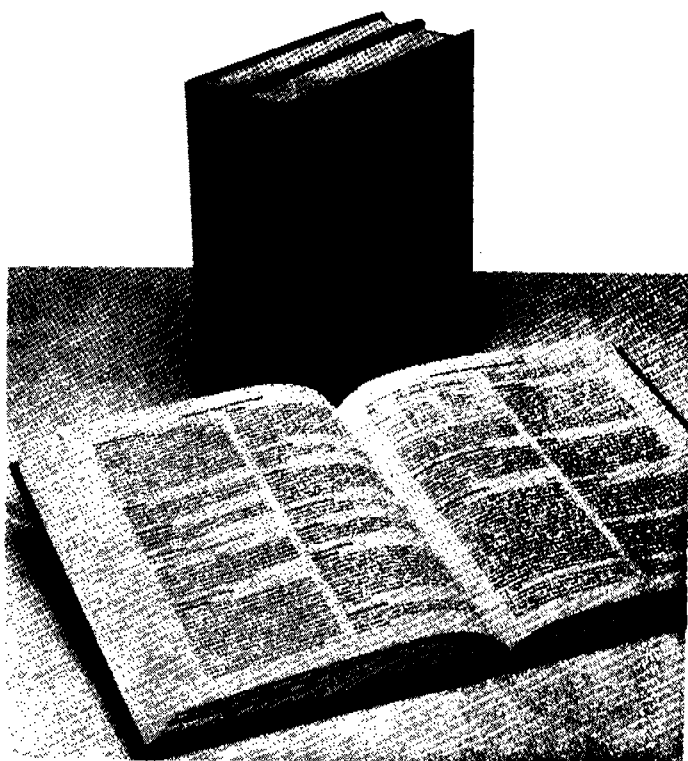


چرا آموزش زبان انگلیسی در ایران ناموفق می باشد؟



شاید باور نکنید دانشجویانی که برخی از آنان خواندن زبان انگلیسی را از کودکی شروع کرده اند و اکنون نیز در رشته زبان و ادبیات انگلیسی مشغول تحصیل اند، قادر به تکلم زبان نمی باشند، حتی از بیان ساده ترین مکالمات نیز عاجزند. چرا اکثر هموطنان ما پس از گذراندن هزاران ساعت در کلاسها، انجمنها، مؤسسات، آموزشگاه های تدریس زبان، کمترین توانایی برای مکالمات ساده را ندارند؟

حتی در فن ترجمه نیز با موفقیت مواجه نمی باشیم. مترجمین واقعی زبان انگلیسی در سطح مملکت از انگلستان دو دست تجاوز نمی کنند در صورتی که سالانه صدها دانشجوی این رشته فارغ التحصیل می شوند. از طرف دیگر آموزش زبان در ایران سالیان درازی است که به صورت تجارتی درآمدی است و افراد فاقد صلاحیت بعنوان معلم در آموزشگاه ها و سایر مؤسسات، انجمن ها مشغول تدریسند. اگر آموزش و پرورش کنترل جدی بر روی کار این مؤسسات داشته باشد و آموزش زبان را از شکل تجارتی خارج کند نه تنها از هدر رفتن نیروی فکری و مادی دانشجویان جلوگیری می کند بلکه کیفیت آموزش زبان نیز ارتقاء خواهد یافت. معلمین خوب را باید در کلاسهای پایه به تدریس انتخاب کرد. متأسفانه معلمین وارد و باسواد تمایل به تدریس در کلاسهای پایین را ندارند.

آموزش و فراگیری زبان به ۳ عامل بستگی دارد.

۱. مدرس و معلم خوب.
 ۲. امکانات لازم.
 ۳. برنامه ریزی و روش صحیح تدریس.
۱. متأسفانه در مملکت ما هرکسی کاری ندارد معلم زبان می شود نتیجتاً اکثر آنان خود قادر به تکلم زبان انگلیسی نیستند. تدریس زبان خواندن از روی کتاب آن هم با تلفظ نادرست و یا پر

کردن چند پلی کیپی یا نوشتن دیکته سر کلاس و یاد دادن چند قاعده گرامری نیست. زبان یعنی درست صحبت کردن با تلفظ صحیح و ایجاد ارتباط بین دو یا چند نفر. زبان یعنی نوشتن یک مقاله یا هر مطلب دیگر بدون غلط و یا خط خوانا. آموزش زبان احتیاج به مدرسین و معلمین خوب دارد. اگر در فصل تابستان کلاسهای برای معلمین زبان تعیین شود و معلمین در این کلاسها برای بالا بردن سطح معلومات خود شرکت کنند بدون شک نتیجه کارشان بهتر خواهد بود.

به عقیده من تلفظ مدرسین زبان انگلیسی باید تا حد امکان یکسان باشد یعنی همه آنان تلفظ واحدی را دارا باشند. این مشکل حتی در دانشگاههای ما نیز کاملاً محسوس می باشد. دانشجویان رشته ادبیات یا مترجمین زبان در آن واحد با چندین استاد در ارتباط اند و هر کدام از اساتید لهجه ای متفاوت از دیگری دارد. یکی به لهجه انگلیسی، دیگری به لهجه آمریکایی و استاد دیگر با لهجه دیگر صحبت می کند و این موضوع دانشجویان را بر سر چند راهی قرار می دهد. دانشجویان زبان انگلیسی در طول ۴ سال دانشگاهی صدها ساعت به آزمایشگاه زبان می روند و وقت عزیز خود را در آنجا می گذرانند ولی پس از فارغ التحصیل شدن هنوز تلفظ خوبی ندارند و این به عقیده من تقصیر مدرسین و اساتید مربوطه می باشد. اکثر مردم فکر می کنند اگر به طرقی در محیط خارجی قرار گیرند لهجه آنان



خوب خواهد شد البته این موضوع ۳۰ سال پیش صادق بود، چون در آن زمان مردم تحصیل کرده در خیابانهای لندن و نیویورک و غیره بسیار زیاد بودند و خارجیها با تماس گرفتن با آنان در زبان پیشرفت می کردند ولی در محیط های امروزی تعداد این افراد مانند سابق زیاد نیست و ارتباط بین مردم کمتر شده است. با معلمین خوب در کشور خودمان می توانیم زبان انگلیسی را به بهترین نحو تدریس کنیم.

باز تکرار می کنم که در صورت امکان در فصل تابستان کلاسهای برای معلمین زبان در نظر گرفته شود و از کلیه آنان دعوت به عمل آید تا در این کلاسها شرکت نمایند و سطح معلومات خود را بالا ببرند. معلم خوب مهمترین عامل در آموزش صحیح زبان انگلیسی است. من خود در مناطق مختلف شهر تهران کلاسهای برای معلمین و دبیران زبان انگلیسی بطور رایگان گذاشتم و از کار خود نتیجه مطلوب را گرفتم. امیدوارم تعداد این نوع کلاسها در سطح کشورمان بیشتر شود.

۲. امکانات آموزش در پایتخت مخصوصاً در شهرستانها بسیار محدود می باشد. در صورت امکان از فیلمهای آموزش زبان و نوارهای خوب باید استفاده نمود. حتی می توان از کامپیوتر برای پیشبرد کار دانش آموزان استفاده نمود. در کتابخانه های شهرهای ما باید قسمتی را اختصاص به زبان انگلیسی داد. دانش آموزان را تشویق نمود تا از این کتابخانه ها استفاده کنند. همچنین انجمنهایی با کمک معلمین زبان ایجاد نمود و دانش آموزان علاقمند در این انجمنها شرکت کنند و برنامه های فوق برنامه کلاسی داشته باشند، سخنرانیهای ساده به زبان انگلیسی بدهند. از روزنامه های دیواری استفاده کنند و دهها برنامه مفید دیگر. کتابهای موجود در یادگیری واقعی زبان مؤثر نیست و فقط دانش آموزان را با این زبان آن هم در سطح خیلی معمولی آشنا می سازند. کتابهای موجود رونوشتی از کتابهای بدر نغور خارجی است.

۳. برنامه ریزی و روش تدریس نیز از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. البته روش تدریس مستقیم یعنی تدریس انگلیسی به زبان انگلیسی برای افرادی خوب است که یادگیری زبان را تازه شروع کرده اند بخصوص برای بچه های کوچک. برای اشخاصی که تا حالا به انواع کلاسها رفته اند و نتیجه نگرفته اند باید روشی پیش گرفت که ترکیبی از روش مستقیم و غیرمستقیم باشد. در صورت امکان باید جملات ساده و مکالمات پایه را روی نوار ضبط کرد تا شاگردان هنگام فراغت از آنها استفاده نمایند.

مشکل دانش آموزان و حتی دانشجویان ندانستن لغت نیست. برخی از آنان چندین هزار کلمه می دانند ولی قادر به تکلم نیستند. مشکل آنان ندانستن قواعد و گرامر زبان نیست برخی از آنان قواعد زبان را بطور کامل یاد گرفته اند. مشکل آنان کمبود اصطلاحات و حتی مکالمات نیست. بلکه مشکل اکثر آنان تلفظ نادرستی است که

آموخته اند چون کلمات و جملات را غلط تلفظ می کنند و برای اهل زبان نامفهوم می باشد. باید برنامه ریزی طوری باشد که تلفظ دانش آموزان علاقمند به این زبان صحیح باشد. باید روش تدریس طوری باشد که دانش آموزان بتوانند درست تکلم نمایند. روش تدریس باید طوری باشد که دانش آموزان بتوانند با کلمات ساده ای مانند father, apple, car و غیره جملات صحیحی بگویند. باورکردنی نیست اکثر دانشجویان در سطح لیسانس و حتی بالاتر قادر نیستند با کلمه apple مثلاً بگویند این سیبها کیلویی چند است؟ یا این سیبها کیلویی نیست و یا با کلمه car نمی توانند بگویند چرخ ماشین کم باد است و یا مثلاً ماشین را کنار نگاه دار و مانند اینها.

اگر روش تدریس خوب باشد چرا علاقمندان به این زبان نتوانند این گونه جملات ساده نگویند؟ مشکل دیگر در روش تدریس این است که آنچه آموخته می شود ناقص می باشد مثلاً دانشجویان از ۱۰ تا مژه (یعنی شیرینی، شور، تلخ، ترش، تند، گس، ملس، خوشمزه، بد مزه و بی مزه) فقط ۵ تای آنها را می دانند. یا مثلاً از ۱۰ نوع تبریک گفتن فقط ۶ تای آنها را می دانند و باز مثلاً از ۱۲ مکانی که حرف اضافه on می گیرند (یعنی beach, spoon, plate, Island, farm, property estate, campus, coast, street, plantation, continent) فقط ۷ تای آنها را می دانند. بنابراین روش تدریس باید طوری باشد که همه چیز را بطور کامل بیاموزاند.

از طرف دیگر اکثر ایرانیان، انگلیسی را در چهارچوب زبان فارسی تکلم می کنند مثلاً می خواهند بگویند برو آنطرف خیابان می گویند Go to the other side of the street که صحیح آن cross the street است یا مثلاً اگر بخواهند بگویند من دیر آمدم می گویند I came late که صحیح آن می شود I was late یا مثلاً بجای با مداد بنویس می گویند Write with pencil که صحیح آن می شود Write in pencil.

بنابراین روش تدریس خوب باید آن باشد که در نهایت دانشجویان را کمک کند که به انگلیسی فکر کنند و تکلم نمایند. در کشور ما صدها روش تدریس زبان انگلیسی وجود دارد که فقط یک یا دو تای آنها واقعاً مفیداند. روش تدریس مستقیم همانطور که در بالا ذکر شد بستگی به قدرت بیان و تلفظ صحیح معلم دارد. اگر معلمی تلفظ درستی نداشته باشد و یا این زبان را در حدودی خوب صحبت نکند قادر نخواهد بود با این روش تدریس کند. بدیهی است که روش تدریس مستقیم در صورتی به نتیجه مطلوب می رسد که از ابتدای آموزش زبان بکار گرفته شود و در هیچ مرحله ای متوقف نگردد. چون چگونگی روش تدریس محصل را سرگردان کرده و بازدهی را کاهش می دهد. به عقیده من هیچ اشکالی ندارد که در سر کلاس یک یا دو نکته مشکل گرامری را به فارسی توضیح دهیم و سپس به انگلیسی ترجمه کنیم و به بچه ها تمرین بدهیم.